

# دیوان کیفر

دکتر حسین نجفی

وزیر اسبق دادگستری

### ۱- درآمد

هدف من از انتشار این یادداشت‌ها این است که اولاً سیمای دادگستری ایران قبل از انقلاب ۱۳۵۷ را تا آنجا که در توان دارم عاری از هرگونه حبّ و بغض در دسترس همگان قرار دهم و از سر صدق اعلام می‌کنم که در دادگستری آن زمان در ایران بسیار کسانی بودند که هم از جنبه‌ی علمی و هم از لحاظ فضیلت، تقوا، شهامت قضایی و قدرت مقابله با مشکلات حرفه‌ی خود در پایه‌های برتری از من قرار داشتند و در برابر توقعات نابجای مقامات بالاتر و قوه‌ی مجریه، با اراده‌ی راسخ و استوار، راه خود را در جهت احقاق حق و اجرای عدالت با قدرت هرچه تمام‌تر ادامه می‌دادند و گاهی هم با مشکلات و نگرانی‌های بسیار جدی روبه‌رو می‌شدند.

هم‌چنین در این نوشته‌ها سعی کرده‌ام میزان و درجه‌ی عمل مقامات اجرایی را در برابر عملکرد دستگاه قضایی نشان دهم و آن را به‌عنوان مجملی از حدیث مفصل در برابر دیدگان نسل جوان و آگاه امروز کشورمان قرار دهم.

هم‌چنین تلاش و کوشش کرده‌ام به علل و عوامل و ریشه‌های رخ داد سهمگین بهمن ماه ۱۳۵۷ نیز بپردازم و در این باره برداشت‌های خود را برای ثبت در تاریخ به‌عرض خوانندگان ارجمند برسانم.

### ۲- دیوان کیفر

برای اطلاع و آگاهی خوانندگان و آشنایی آنان با سازمان دادگستری ایران قبل از انقلاب سال ۱۳۵۷ شمسی توضیح می‌دهم که دیوان کیفر کارکنان دولت مرکب از دادسرا و دادگاه‌های وابسته به آن، سازمانی بود که رسالت قانونی آن رسیدگی به اتهام کارکنان دولت بود.<sup>۱</sup>

این سازمان ابتدا در سال ۱۳۰۷ شمسی به‌موجب قانون، در زمان شادروان علی‌اکبر داور وزیر دادگستری وقت، زیر عنوان «دیوان جزای عمّال دولت» به‌وجود آمد و در سال‌های پس از آن هم اصلاحاتی به مرور در مقررات آن به‌عمل آمد تا در زمان نخست‌وزیری شادروان دکتر محمد مصدق که وجود دادگاه‌های اختصاصی را مغایر با اصل صلاحیت عام دادگاه‌های دادگستری می‌دانست، منحل گردید. اما باز در سال ۱۳۳۴ شمسی مجدداً زیر عنوان «دیوان کیفر کارکنان دولت» با تشکیلات و مقرراتی که قبل

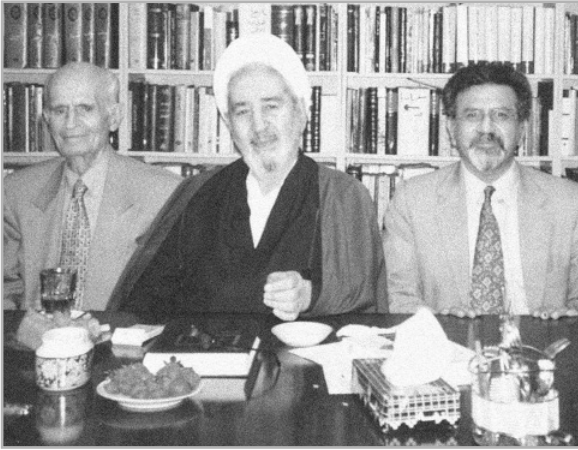
از انحلال آن وجود داشت تشکیل یافت<sup>۲</sup> و از آن زمان به‌عنوان قسمتی از سازمان دادگستری ایران به فعالیت خود تا انقلاب سال ۱۳۵۷ ادامه می‌داد.

در ماه‌های آخر سال ۱۳۴۲ شمسی که شادروان حسن‌علی منصور به نخست‌وزیری رسید، مسوولیت وزارت دادگستری به دکتر باقر عاملی سپرده شد. عاملی از قضات سرشناس و با سابقه‌ی دادگستری بود و بین من و او از دیرباز باب آشنایی و دوستی باز شده بود. از طرف دیگر من با شادروان حسن‌علی منصور نیز آشنا بودم. وزیر دادگستری مرا برای تصدی مقام دادستانی دیوان کیفر کارکنان دولت در نظر گرفته بود. ولی من با اظهار تشکر از حسن ظنّ مقام وزارت از قبول این سمت عذر خواستم و در توضیح علت امتناع خود از قبول سمت پیشنهادی اظهار کردم: درست است که سمت دادستانی دیوان کیفر بیش‌تر از مشاغل قضایی‌ست، اما واقعیت این است که عملکرد این نهاد قضایی مقداری رنگ و بوی سیاسی هم پیدا کرده است.

آقای وزیر در پاسخ من اظهار داشت: خواست دولت حاضر جز اعمال اصول و قوانین موجود و اجرای عدالت چیز دیگری نیست و شما در این سمت هم می‌توانید چنان‌که در مشاغل قبلی انجام وظیفه کرده‌اید، از این پس نیز به همین کیفیت به خدمت ادامه دهید.

با قول صریح ایشان من پذیرای این مسوولیت شدم و رضایت کتبی خود را برای تغییر شغل تسلیم کردم. متعاقب قبول این مسوولیت دو رویداد غیرمتعارف و سوال‌برانگیز روی داد: اول آن‌که آقای وزیر خطاب به من اظهار داشت: آقای منصور ترتیب شرفیابی شما را داده‌اند، آماده شوید که فردا شما را به‌عنوان دادستان دیوان کیفر و آقای فیلسوفی را به‌عنوان دادستان تهران رسماً به حضور شاه معرفی کنم. در صورتی که تا آن زمان در مورد دادستان دیوان کیفر و دادستان تهران چنین مراسمی برگزار نمی‌شد.

رویداد دیگر این بود که در اولین روزهای اشتغال من که همکاران و دوستان و آشنایان و وکلای دادگستری و دیگر افراد برای تبریک شغل جدید به دفتر من تشریف می‌آوردند، ناگهان مشاهده کردم که تیمسار نعمت‌الله نصیری، رییس سازمان اطلاعات و امنیت کشور برای تبریک شغل جدید به دیدار من آمد، در صورتی که در حال و هوای آن روز ایران و موقعیتی که ایشان داشت عمل ایشان



پروفسور سیدحسین امین - دکتر اکبر صادقی - دکتر حسین نجفی  
(دفتر ماهنامه‌ی حافظ)

دادگستری به اطاق آقای بازپرس راهنمایی کند و مراقبت نماید که برخورد نامناسبی روی ندهد و از بازپرس هم خواهش کردم که وقت تحقیق از ایشان را در ساعاتی که مراجعه مردم به کاخ کم‌تر است قرار دهند و این کار بحمدلله به خوبی انجام گرفت و آقای دکتر امینی پس از تحقیق دفتر آقای بازپرس را ترک کرد. ■

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- ماده‌ی دوم قانون تشکیل دیوان کیفر مصوب اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۴ شمسی: «رسیدگی به کلیه جرایم استانداران، معاونین وزارتخانه‌ها، مدیران کل، فرمانداران، روسای ادارات استان‌ها و شهرستان‌ها و کلیه کارکنان قضایی که به سبب شغل دولتی مرتکب می‌شوند، در دیوان کیفر به عمل می‌آید».
- ۲- ماده‌ی اول «دیوان کیفر کارکنان دولت با تشکیلات و مقرراتی که قبل از انحلال آن وجود داشته، تشکیل می‌شود».

## مراکز فروش حافظ و دیگر انتشارات

### دایرة المعارف ایران شناسی

- ۱- انتشارات دایرة المعارف ایران شناسی: تقاطع فلسطین و انقلاب - ساختمان مهر - شماره‌ی ۲ - طبقه‌ی سوم
- ۲- انتشارات مولی (کتابفروشی): خیابان انقلاب - بین وصال و چهارراه فلسطین
- ۳- کتابفروشی توس: خیابان انقلاب - اول ابوریحان
- ۴- کتابفروشی طهوری: خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه
- ۵- کتابفروشی خوارزمی: خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه
- ۶- کتابفروشی بیگوند: خیابان انقلاب - تقاطع وصال
- ۷- کتابفروشی شیوا: خیابان انقلاب - اول خیابان فخر رازی
- ۸- کتابفروشی پکا: خیابان فلسطین - نبش کوچه‌ی نابی
- ۹- انتشارات بعثت: خیابان انقلاب - بعد از چهارراه فلسطین پلاک ۱۲۲۲
- ۱۰- نشر ثالث: بلوار کریم‌خان زند
- ۱۱- اسرار دانش: خیابان انقلاب - خیابان دوازده فروردین
- ۱۲- دهکده‌های فعال روزنامه‌فروشی سراسر کشور

سوال برانگیز بود. ایشان حتا در مورد وزرا هم چنین وظیفه‌ی برای خود احساس نمی‌کرد و من نشنیده بودم که وی به دیدار وزیر یا معاون برای عرض تبریک رفته باشد. ایشان پس از ورود به دفتر من و اظهار خوش‌وقتی از انتصاب من و چند دقیقه توقف، دفتر مرا ترک گفت. من پس از چند روز به بازدید ایشان رفتم. مرا به گرمی پذیرفت و چند قدمی به استقبال من آمد و پس از تعارفات معمول و صرف یک چای با ایشان خداحافظی کردم. او در حالی که شخصاً مرا چند گامی مشایعت می‌کرد، اظهار داشت آقای رحیم علی خرم مقاطعه‌کار شهرداری تهران پرونده‌ی در دادرسی دیوان کیفر دارد و از شما خواهش می‌کنم، در ختم پرونده او را کمک کنید تا بتواند طلب خود را از شهرداری وصول نماید.

من تا این لحظه از وجود چنین پرونده‌ی آگاه نبودم، واقعیت را به ایشان توضیح دادم و اضافه کردم، انشاءالله سرفرصت آن را مطالعه و نتیجه را به اطلاع جناب عالی می‌رسانم و از دفتر ایشان خارج شدم و به این ترتیب علت لطف ایشان را در دیدار اولیه با خودم دریافتم.

### ۳- پرونده‌ی دکتر علی امینی و همسرش

یکی از پرونده‌هایی که در دستور کار من قرار داشت، پرونده‌ی بود که پس از استعفاى آقای دکتر علی امینی و نخست‌وزیری آقای علم علیه آقای امینی، بعضی از همکاران ایشان، همسر ایشان و معاونین وزارتخانه‌ها در دادرسی دیوان کیفر مطرح شده بود که مورد رسیدگی قرار داشت و من به علت تراکم کارها و کثرت مراجعین ناچار بودم به کندی آن‌ها را مورد مطالعه قرار دهم. واقعیت این است که وجه مشترک این پرونده‌ها و پرونده‌های دیگر این بود که هیچ‌یک پایه و اساسی نداشت و متکی به مدرک، دلیل، سند یا قرینه و اماره در خور توجهی نبود. فی‌المثل نسبتی که به همسر ایشان داده شده بود، تا آن‌جا که به‌خاطر دارم این بود که در برابر فروش قطعه زمینی در الهیه به مبلغ گزافی بیش از قیمت روز موجبات فرار متهمی را از ایران فراهم کرده بودند. شادروان مهندس عبدالحسین ابراهیمی را که استاد دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران و مردی بسیار متدین، باتقوا، بافضلیت و در شهامت و شجاعت اخلاقی در خور احترام و تحسین بود با مشورت با آقای بازپرس که پرونده زیر نظر ایشان مورد رسیدگی بود، به‌عنوان کارشناس انتخاب کردم و با این‌که می‌دانستم کوچک‌ترین احتیاجی به تذکر ندارد و او کارهای خود را به‌دقتی در خور وسواس و به نحو احسن انجام می‌دهد، معذک از ایشان خواهش کردم که در این مورد هرچه بیش‌تر و با دقت کامل مسأله را مورد رسیدگی قرار دهد و ایشان نیز پس از تحقیق کامل اظهارنظر کرده بود که «زمین مزبور نه تنها گران‌تر از قیمت روز نبوده، بلکه مقداری هم به کم‌تر از نرخ روز مورد معامله قرار گرفته است و چون آقای دکتر امینی از طرف بازپرس برای ادای توضیحات در مورد زمین به دادرسی دیوان کیفر احضار شده بود، من برای این‌که هنگام ورود ایشان به کاخ دادگستری برخورد یا حادثه‌ی نامطلوب رخ ندهد از آقای مهندس عبدالحسین متینی عسگری که در سمت ریاست انتظامات کاخ انجام وظیفه می‌کرد، خواهش کردم که ایشان را هنگام ورود به کاخ